

تمدن ایرانی

ایران کنونی با این مرزهای سیاسی بخشی از فلات (نجد) ایران است که یکی از تمدن‌های کهن در آن پدید آمده است. فلات ایران با تقریباً ۲/۳۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت از آمو دریا (جیحون) در شمال تا اقیانوس هند و خلیج فارس در جنوب، از رود سند در شرق تا دامنه‌های غربی رشته کوه‌های زاگرس در غرب گسترش دارد و هم‌اینک کشورهای ایران، جمهوری آذربایجان، ترکمنستان جنوبی، افغانستان، و نیمه غربی پاکستان در آن جای گرفته‌اند. این فلات عمدتاً خشک و کم آب است. نزدیک به ۱۰ درصد آن برای کشاورزی و ۱۵ درصد آن برای دامداری مناسب است. این وضعیت جغرافیایی تأثیر خود را بر همه جنبه‌های زندگی مردمی که در این فلات زیسته‌اند و تمدن ساخته‌اند، بر جای نهاده است، و ویژگی‌های آن گونه تمدنی که به رغم کم آبی و بهره مند نبودن از امکانات زیست در کرانه‌های رودهای پر آب و در دشت‌های پر وفور آب شکل گرفته است، به نحو بارزی در آن به چشم می‌خورد. تدبیرهای هوش مندانه و ماهرانه برای دست یافتن به آب، نگاهداری و استفاده از آن یکی از بنیادی‌ترین پایه‌های ایجاد تمدن است.

در فلات ایران چند امپراتوری بزرگ، و نخستین امپراتوری

ایران کنونی بخشی از فلات ایران است. این فلات شامل چند کشور دیگر آذربایجان، ترکمنستان جنوبی، افغانستان و نیمه غربی پاکستان هم می‌شود.

در فلات ایران چند
امپراتوری بزرگ، و
نخستین امپراتوری پهناور
جهان تشکیل گردید.

امپراتوری هخامنشی
افزون بر فلات ایران،
بر بخش‌هایی از ۳ قاره
کنونی جهان هم حکومت
می‌کرد.

داد و ستد فرهنگی و
تمدنی به دور از تعصب را
از ویژگی‌های بارز آریائیان
ساکن ایران به شمار
آورده‌اند.

فلات ایران، به رغم
خشکی، به سبب ایجاد
ارتباط بین شرق و غرب
و شمال و جنوب، و سایر
ویژگی‌های طبیعی، از
امکانات فراوانی بهره‌مند
است که برای تشکیل
تمدن و انتقال تمدن‌های
دیگر مساعد بوده است.

پهناور جهان تشکیل گردید، اما مرزهای سیاسی این امپراتوری‌ها گاه
از چند سو از مرزهای جغرافیایی فلات فراتر رفت، مانند امپراتوری
هخامنشی که بر بخش‌هایی از ۳ قاره کنونی جهان حکومت کرد،
دستاوردهای خود را در سرزمین‌های تحت حکومت اشاعه داد و
دستاوردهای آن بخش‌ها را اقتباس کرد و بر میراث تمدنی خود
افزود. این داد و ستد به دور از تعصب را از ویژگی‌های شاخه‌هایی
از اقوام آریایی مهاجر و از خصوصیات بارز آریائیان کوچ کرده به
فلات ایران به شمار آورده‌اند. فلات ایران، به رغم خشکی، به سبب
آنکه از سرپل‌های میان شرق و غرب و شمال و جنوب بوده، از
دیدگاه اقلیمی، طبیعی، و معدنی، از امکانات فراوانی بهره‌مند بوده
و با ملت‌ها و اقوام بسیاری پیرامون خود داد و ستد داشته، و موقعیتی
را در اختیار ساکنان خود قرار داده است که هم برای تشکیل و
گسترش تمدن خود و هم برای انتقال تمدن‌های دیگر مساعد بوده
است. این نقش چندگانه هم یکی دیگر از ویژگی‌های اصلی فلات
ایران است.

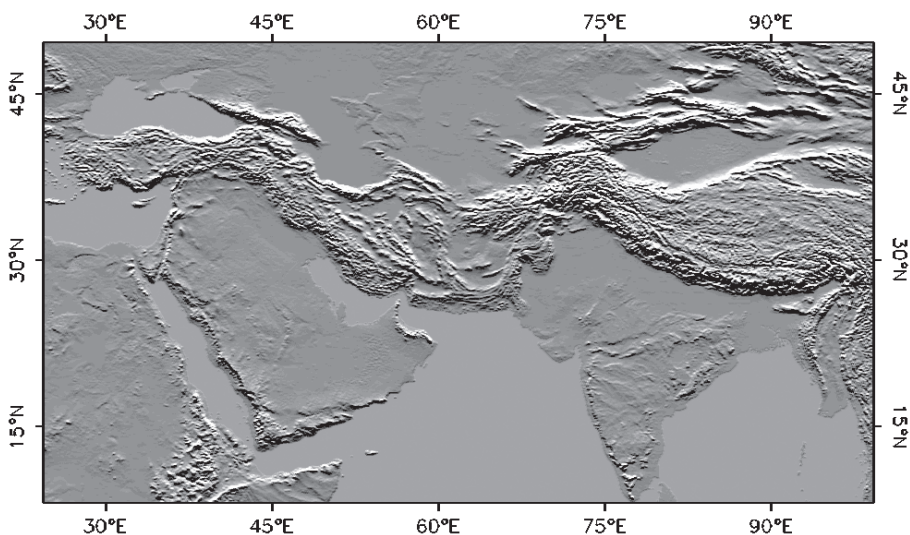
تمدن ایرانی از زمان پیدایش تا دوره افول از چند دوره اصلی
گذشته است که در این فصل به آنها اشاره خواهد شد. فلات ایران
در دوران پیشا تاریخ، در عصر تمدن از زمان پیدایش و شکل گرفتن
تا ورود اسلام به این فلات و آغاز و گسترش تمدن اسلامی، روزگار
یورش مغولان، ایام فترت، و سپس ظهور تمدن غربی و آغاز دوره
رویاری تمدن‌های افول کرده یا در حال افول با تمدن غربی در
حال گسترش در سراسر جهان، از موضوع‌های دیگری است که به
آنها اشاره خواهد شد. تمدن ایرانی در هر دوره، خود به چند دوره
فرعی تر قابل تقسیم است که به آنها هم اشاره می‌شود.

فلات ایران در دوران پیشا تاریخ

اطلاعات ما مربوط به این دوران اندک است و نقطه‌های باستانی بسیاری در فلات ایران هست که هنوز کاوش نشده و درباره آنها مطالعات پارینه‌شناختی و باستان‌شناختی صورت نگرفته است. ادعا شده است که ده‌ها هزار نقطه در این فلات وجود دارد که احتمال داده می‌شود کاوش در آنها به کشفیات تازه‌ای بینجامد. با این حال، و به رغم اطلاعات اندک، شواهد به دست آمده نشان می‌دهد که حدود ۱۰۰/۰۰۰ سال پیش، در عصر پارینه‌سنگی، در غاری در رشته کوه‌های زاگرس، انسان نخستی به سر می‌برده است. تبری در اطراف کرمانشاه به دست آمده است که همین اندازه قدمت دارد. نزدیک کشف رود در خراسان، ابزارهای سنگی کشف شده است که قدمت آنها را تا ۸۰/۰۰۰ سال پیش برآورد کرده‌اند. در غارهای نزدیک گنبد کاووس هم آثار زندگی دیده شده است که قدمت آنها بین ۶۰ تا ۴۰ هزار سال پیش است.

ده‌ها هزار نقطه در فلات ایران وجود دارد که احتمال می‌دهند کاوش در آنها به کشفیات تازه‌ای بینجامد. شواهد به دست آمده نشان می‌دهد ۱۰۰/۰۰۰ سال پیش در ایران، انسان نخستی به سر می‌برده است.

زمانی که اروپا عصر یخبندان را از سر می‌گذراند، فلات ایران به دوره بارانی وارد شده بود و دریاچه بسیار پهناور در دل این فلات تشکیل گردیده بود. از حدود ۱۵ تا ۱۰ هزار سال ق.م.، دوره بارانی پایان یافت و عصر خشک آغاز شد، اما ایران در آن هنگام سرزمینی سرسبز و پر شکار بود و انسان‌های نخستی در دامنه کوه‌ها در غارها می‌زیستند و از راه شکار و گردآوری گیاهان گذران می‌کردند. در غارهایی در زاگرس نشانه‌ها حاکی است که حدود ۹۰۰۰ ق.م. انسان در آنها زندگی می‌کرده است. چندین تپه باستانی کاوش شده، به نام‌های تپه آسیاب، گوران، علی‌کش، سراب، حاجی فیروز، گودین، یانیک و جز آن، نشان می‌دهد که بین ۸ تا ۶ هزار ق.م. ساکنان آنها گردآوری گیاهان، کشاورزی ابتدایی، گله‌داری، سفالگری و شراب‌سازی می‌کرده‌اند.



نقشه شماره ۶: فلات ایران

تپه‌های فراوان تری متعلق به ۵ تا ۳ هزار ق. م.، که کاوش‌های باستان‌شناختی در آنها صورت گرفته است، از گسترش کشاورزی، ایجاد نخستین صنایع، داد و ستد با نواحی دور دست و جوانه زدن تمدن خبر داده‌اند. از تپه‌های مشهور این دوره می‌توان از تپه‌های سیلک (بین فین و کاشان)، تپه گودین (نزدیک کنگاور)، تپه گیان (نزدیک نهاوند)، تل ابلیس (بردسیر کرمان)، تورانگ تپه (نزدیک استار آباد)، تپه چغامیش (نزدیک دزفول)، یانیک تپه (نزدیک تبریز)، تپه حصار (نزدیک دامغان)، تپه یحیی (در کرمان) و تپه‌های دیگری در قزوین، کردستان، لرستان، خوزستان، دامنه‌های شمالی و جاهای دیگر نام برد. اینها همه نشانه آغاز تمدنی بومی و کاملاً وابسته به امکانات طبیعی و ویژگی‌های جغرافیایی ایران، پیش از ورود آریاییان است. از میان اینها فقط به چند مورد اشاره می‌شود.

نشانه‌های زیادی از آغاز تمدنی بومی و کاملاً وابسته به ویژگی‌های جغرافیایی ایران، پیش از ورود آریاییان، وجود دارد.

در اوایل دهه ۱۳۰۰ ش. باستان‌شناسان فرانسوی موزه لوور برای نخستین بار در تپه‌های سیلک، بین راه فین و کاشان، به کاوش دست زدند و آثاری کشف کردند که قدمت آنها به ۵/۰۰۰ ق. م. هم می‌رسید. از بررسی این مکان و آثار این طور نتیجه گرفته شد که پس از آنکه دریاچه‌ها به تدریج خشک شد و عقب‌نشینی کرد،

قدمت آثار کشف شده از تپه‌های سیلک به ۵۰۰۰ ق. م. می‌رسد.

انسان‌های نخستی از کوه‌ها و غارها پایین و بیرون آمده و در دشت‌ها، و شاید کنار یا نزدیک آب‌ها ساکن شده‌اند. سیلک مربوط به این دوره است. سفال‌های به دست آمده و تصویرهای روی آنها سطح پیشرفت صنعت مردم سیلک و تا اندازه‌ای تصورات آنها را دربارهٔ جانداران پیرامون نشان می‌دهد. از قرآینی هم استنباط می‌شود که در دوره‌های پسین تری با مردم ساکن در حاشیهٔ خلیج فارس داد و ستد بازرگانی داشته‌اند.

باران سیل آسیایی در بهار ۱۳۸۰ در جیرفت، پرده از راز منطقه‌ای برداشت که ادعا می‌شود آثار به دست آمده از آن متعلق به حدود ۴ تا ۵ هزار ق. م. باشد.

اگر فرضیهٔ سرپرست باستان‌شناسان ایرانی دربارهٔ تمدن جیرفت درست باشد، قدمت این تمدن از قدمت تمدن‌های بین‌النهرین، نخستین تمدن‌های شناخته شده، بیشتر می‌شود.

باران سیل آسیایی در بهار ۱۳۸۰ و آنچه پس از سیلاب و شست و شو در نواحی پیرامون جیرفت بر جای ماند، روستائیان را متوجه آثاری کرد که عتیقه بودن آنها را حدس می‌زدند. در پی آن، قاچاقچی‌های عتیقه و اشیای قدیمی به منطقه رفتند و به حفاری‌های غیر مجاز دست زدند. خبر مربوط به اشیای کشف شده توجه باستان‌شناسان را به خود جلب کرد و با کوشش گروهی از باستان‌شناسان ایرانی و بررسی آثار باستانی به دست آمده از منطقهٔ جیرفت، از حیاتی کهن در جنوب شرقی ایران پرده برداشته شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که حدود ۵ تا ۴ هزار سال ق. م.، به تخمین پیش از آن، مردمی با سطح پیشرفته‌ای از تمدن در آنجا زندگی می‌کرده‌اند. بررسی آثار و بحث دربارهٔ آنها ادامه دارد و فرضیه‌ها در باب تمدن جیرفت مختلف است. چنانچه فرضیهٔ سرپرست باستان‌شناسان ایرانی را مراجع معتبر باستان‌شناسی بپذیرند، قدمت تمدن جیرفت از قدمت تمدن‌های بین‌النهرین بیشتر می‌شود و تاریخ تمدن جهان نقطهٔ آغاز تمدن را باید در جای دیگری سراغ بگیرد. هم‌اکنون جای تردید نیست که در دوران پیشا تاریخ فلات ایران، زندگی انسانی پیشرفته‌ای در منطقهٔ جیرفت وجود داشته است، اما قدمت این زندگی تا چه حد، و ویژگی‌های خاص آن دقیقاً در چیست، موضوعی است که رسیدگی به آن تا این زمان به نتیجهٔ قطعی نرسیده است.

سرا راه زابل به زاهدان، باستان‌شناسان آثار شهر بزرگی را کشف کرده‌اند که به نام شهر سوخته معروف شده است. این شهر که حلقهٔ

قدمت آثار متنوع به دست آمده از شهر سوخته در زابل بین ۳۳۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م. برآورد شده است.

پیوندی میان تمدن‌های بین‌النهرینی و تمدن‌های هندی، چینی، و تمدن‌های جنوب ایران بوده، ظاهراً بر اثر تحولات زیست محیطی از میان رفته است. آثار به دست آمده از این شهر، که قدمت آنها از حدود ۳۳۰۰ تا حدود ۲۰۰۰ ق.م. (جمعاً حدود ۱۲۰۰ سال) برآورد شده، بسیار متنوع است، از جمله: خیابان، کوچه‌های منظم، لوله کشی آب و فاضلاب، نشانه‌های زندگی کشاورزی، اقتصاد بازرگانی، داد و ستد با سرزمین‌های دیگر، بازمانده انواع دانه‌ها و هسته‌های میوه، غلات، حبوب، اجاق، سنگ ساب، ظروف، وسایل آرایش و زیبایی، ابزارهای جراحی، قالب کفش، وسیله‌ای شبیه شطرنج، که نشانه وجود اوقات فراغت و بازی و سرگرمی است، و بسیاری چیزهای دیگر. باستان‌شناسان پذیرفته‌اند که شهر سوخته مدیریت و برنامه‌ریزی شهری داشته است، اما هنوز نکته‌های مجهول درباره این شهر بسیار است. چنانچه یافته‌های باستانی دیگری در سایر جاهایی که با شهر سوخته ارتباط بازرگانی و آمد و شد داشته‌اند به دست آید، حتماً داورى‌ها درباره نقش و تاریخ این شهر دقیق‌تر خواهد شد. باستان‌شناسان ایتالیایی در مطالعات مربوط به این شهر سهم بزرگی دارند.

تمدن ایلامی / عیلامی

مردمی که به آنها ایلامی / عیلامی می‌گویند، در ناحیه گسترده‌ای در جنوب ایران می‌زیستند که در اوج قدرت و گسترش حکومتشان، خوزستان، استان کنونی فارس و بخش‌هایی از کرمان، لرستان و کردستان را در بر می‌گرفت. ایلامیان منشائی ناشناخته دارند و گفته شده است که اصل آنها زاگرو - ایلامی است، قومی که از منطقه قفقاز و حاشیه خزر آمده‌اند. زبان آنها که به ایلامی و آنزانی و آنشانی هم معروف است، نه به خانواده زبان‌های اروپایی متعلق است و نه به خانواده زبان‌های سامی. خط آنها که سرچشمه اصلی اطلاعات

تمدن ایلامی که بعدها در تمدن هخامنشی مستحیل شد، از جمله تمدن‌های ایرانی است که اهمیت زیادی در انتقال فرهنگ و تمدن به تمدن‌های پس از خود داشت.

درباره آنهاست، گونه‌ای از خط‌های میخی است که از خط میخی سومری اقتباس شده است. نام ایلام نخستین بار در یکی از کتیبه‌های سومری به صورت «هالتامتی» به کار رفته که به ایلام تبدیل شده است. مردم ایلام به سرزمین خود هَلْتَمْتی / هتمتی^۱ و پارسیان به سرزمین آنان اوجا / هوجا^۲ می‌گفتند. ایلامیان از هزاره ۵ ق. م. در سرزمین خود، که شهرهای اصلی آن سوزیانا (شوش)، لیان (بوشهر کنونی)، ماداکتور (کنار کرخه) و جایی در محل کنونی شهر اهواز بود، از خود اثر بر جای گذاشته‌اند. از اوایل هزاره ۳ ق. م. تا اواسط هزاره یک ق. م. در دوره اوج تمدن خود به سر بردند تا اینکه در ۵۳۹ ق. م. در حکومت هخامنشیان مستحیل شدند. آنچه دستاورد خود تمدن ایلام بود، و آنچه ایلامیان از تمدن‌های دیگر، به ویژه تمدن‌های بین‌النهرینی اخذ و اقتباس کرده بودند، به تمدن عصر هخامنشی منتقل شد. از این رو اهمیت ایلام در تمدن ایرانی به لحاظ نقشی است که در انتقال تمدن داشته و به رشد و گسترش و قوام تمدن ایرانی کمک کرده است.

ایلامیان با همسایه‌های غربی خود (سومریان، بابلیان، آشوریان) کش مکش‌های طولانی داشتند، و در عین حال به مدت ۲۰۰۰ سال خود را در برابر ۳ امپراتوری قدرتمند (همسایگان غربی) حفظ کردند. پس از تشکیل امپراتوری ماد با آنها متحد شدند.

ایلامیان با همسایه‌های غربی خود (سومریان، بابلیان، آشوریان) کش مکش‌های طولانی داشتند، و در عین حال به مدت ۲۰۰۰ سال خود را در برابر ۳ امپراتوری قدرتمند حفظ کردند. پس از تشکیل امپراتوری ماد با آنها متحد شدند.

پس از مادها، متحد نزدیک امپراتوری هخامنشی شدند. در کتیبه‌ای از آشور بانیپال، روایت هولناک حمله به شوش، پایتخت ایلامی‌ها آمده است. آشور بانیپال گفته که سرزمین ایلام را به ویرانه‌ای تبدیل کرده، در روستاها نمک پاشیده، و صاحبان فن و حرفه و هر چه مال و دارایی بوده به غنیمت گرفته است. این حمله سبعانه، توانی برای حکومت ایلامیان باقی نگذاشته بود که سرزمین خود را بازسازی کنند. آشوریان که متصرفات خود را گسترش دادند با ایلام هم‌مرز شدند و ایلام قدرت مقاومت در برابر هجوم بی‌امان ارتش آشوری

1 . Haltamti / Hatamti

2 . Uja / Huja

را نداشت. پس از آشوریان، بابلیان بر ایلام تسلط یافتند. پس از آنکه مادها آشوریان، و هخامنشیان بابلیان را از صحنه راندند، ایلام جزو متصرفات هخامنشی شد.

آثار ایلامی از شبکه آبیاری پیشرفته در سرزمین پر آب و حاصل خیز خوزستان، کشاورزی پر رونق، فعالیت صنعتی، استخراج فلز و سنگ، و داد و ستد گسترده بازرگانی با تمدن‌های همجوار حکایت می‌کند. درباره اینکه آیا تمدن ایلامی از گونه تمدن‌های اصیل و خورشیدوار است، یا از سنخ تمدن‌های اقباسی و قمروار، میان صاحب نظران اتفاق نظر نیست. تأثیرهای تمدن سومر را بر تمدن ایلام نمی‌توان انکار کرد، اما این تمدن به رغم مانع‌های جغرافیایی که اتحاد و یکپارچگی سرزمین‌های ایلامی نشین را بسیار دشوار می‌ساخت، در برابر سه تمدن نیرومند همسایه خود سالیان متمادی مقاومت کرد و در آنها جذب و مستحیل نشد. در عین حال ایلام به صورت منطقه حایلی مانع از آن شد که ارتش‌های کشورهای همجوار از خاک ایلام بگذرند و وارد آن بخشی از فلات ایران شوند که در آن تمدنی در حال شکل گرفتن بود. مردمی که درون ایران در مراحل آغازین تکوین تمدن خود بودند، به این ترتیب از حمله‌های آنها در امان ماندند، و این حق بزرگ ایلامیان بر تمدن ایرانی است. هخامنشیان پس از آنکه از فارس فراتر رفتند و بر ناحیه خوزستان مسلط شدند، شوش که پایتخت ایلام بود، پایتخت نخستین هخامنشیان و خط ایلامی خط دیوانی آنان شد. بسیاری از اسناد هخامنشی به این خط نوشته شده است. این شیوه بر خورد قوم غالب بر مغلوب را جذب شدن مسالمت آمیز یا به دور از خشونت در تمدن عصر هخامنشی قلمداد کرده‌اند.

ایلام به صورت منطقه حایلی مانع از آن شد که ارتش‌های کشورهای همجوار از خاک ایلام بگذرند و تمدن در حال تکوین آن را نابود سازند. این حق بزرگ ایلامیان بر تمدن ایرانی است.

هخامنشیان با گذشتن از فارس و تسلط یافتن بر خوزستان، شوش را که پایتخت ایلام بود، نخستین پایتخت خود قرار دادند و خط ایلامی را به عنوان خط دیوانی خود انتخاب کردند.

از ورود آریائیان تا حمله و تسلط عرب‌ها

احتمال می‌دهند که آریائیان در چند موج، که حدود ۲۰۰۰ سال به درازا کشند، از ناحیه قزاقستان کنونی به چند سو کوچ کرده‌اند. شاخه‌ای از آن‌ها به فلات ایران وارد شدند و مسیر تاریخ این سرزمین را تغییر دادند.

پیش از ورود آریائیان، روستا نشینی و شهرنشینی در ایران وجود داشت. اما شواهد نشان نمی‌دهد که بومیان با آریائیان برخوردی گسترده خونینی کرده باشند، بلکه احتمالاً آن‌ها فرهنگ همدیگر را جذب کردند.

شاخه‌ای از آریائیان که به غرب رفتند، زودتر از بقیه متحد شدند و به قدرت دست یافتند به این شاخه مادها گفتند. آن‌ها نخستین سلسله تاریخی ایران را تأسیس کردند.

ورود آریائیان به فلات ایران، رویدادی بود که مسیر تاریخ این سرزمین را به کلی تغییر داد. بنا به شواهدی حدس می‌زنند که آریائیان در چند موج که حدود ۲۰۰۰ سال به درازا کشیده است، از ناحیه‌ای که گمان می‌کنند باید در قزاقستان کنونی باشد، احتمالاً بر اثر افزایش جمعیت و نیاز به مرتع برای دام‌هایشان، یا شاید هم بنا به علت‌های دیگری، به چند سو کوچ کرده‌اند و شاخه‌هایی از آنها وارد فلات ایران شده و سپس در چندین نقطه از این فلات سکونت گزیده‌اند. احتمال می‌دهند این کوچ گسترده در ۳ موج اصلی صورت گرفته، و نخستین موج آن بین ۲۰۰۰ تا ۱۶۰۰ ق. م. بوده است. زمانی که آریائیان گله‌دار با اسب و گردونه به ایران پا نهادند، زندگی روستائینی و شهرنشینی در این سرزمین قدمت داشت. شواهد نشان نمی‌دهد که میان کوچندگان و ساکنان بومی برخوردهای گسترده خونینی ایجاد شده باشد، هر چند که در این گونه موارد، برخورد غیر مسالمت آمیز امری طبیعی قلمداد می‌شود. اطلاعاتی در این باره وجود ندارد و بر اساس قرائن و استنباط گمان می‌رود که آن دو به گونه‌ای با هم کنار آمده‌اند، و کوچندگان دست کم در شماری از نقاط، با بومیان در آمیخته‌اند، و زبان و آداب و سنت‌های کوچندگان در میان ساکنان بومی به تدریج رواج یافته است. از این رو نتیجه گرفته می‌شود که فرهنگ قوی‌تر و پیشرفته‌تری فرهنگ فرو پایه‌تری را در خود حل کرده است.

از میان شاخه‌های آریائیان در فلات ایران، شاخه‌ای که به غرب فلات رفتند، زودتر از بقیه متحد شدند و به قدرت دست یافتند. این شاخه را بعدها مادها نامیدند. آگاهی مادربارهٔ مادها از طریق خود آنها نیست، زیرا مادها یا خط نداشتند، یا احتمالاً اگر هم داشتند، اثری از آن بر جا نمانده، و تا کنون خطی به نام خط مادی رمزگشایی نشده است. حتی پس از اینکه سلسله و امپراتوری تشکیل دادند، سکه‌ای از آنها دیده نشده است. کاوش‌های باستان‌شناختی در ۳ تپهٔ شناخته

اطلاعات ما دربارهٔ مادها بیشتر از طریق تاریخ‌نگار یونانی، هرودوتس و اندکی که از طریق کتیبه‌های آشوری است.

دیا اکو بنیادگذار سلسلهٔ مادها بود و این سلسله حدود ۱۵۰ سال حکومت کرد. پایتخت آن‌ها هنگمتانه بود.

مادها زمانی به قدرت رسیدند که کاسیان در غرب، کادومیان در گیلان، تپوران در مازندران، ایلامیان در خوزستان و آشوریان و بابلیان در غرب و جنوب‌غربی منطقهٔ آن‌ها بودند.

مادها در اتحاد با بابل، امپراتوری آشوریان را به طرز باورنکردنی شکست دادند.

شدهٔ متعلق به مادها، از میان چندین تپهٔ مادی، یعنی باباجان تپه، گدین تپه، و تپهٔ نوش جان، چیز مهمی بر دانسته‌های ما دربارهٔ مادها نیفزوده است. آنچه دربارهٔ مادها می‌دانیم، اندکی از طریق کتیبه‌های آشوری است که مادها مدتی زیر سلطهٔ آنان بودند، و بیشتر از راه منابع یونانی، به ویژه اشاره‌های هرودوتس، تاریخ‌نگار بزرگ یونانی، است. در هر حال، مادها پس از اتحاد از درون، نخستین سلسلهٔ تاریخی ایران را تشکیل دادند و به مدت نزدیک به یک قرن و نیم، حدوداً از ۷۰۰ تا ۵۵۰ ق. م. حکومت کردند. دیا اکو بنیادگذار این سلسله بود. مادها زمانی به قدرت رسیدند که کاسیان در غرب، کادوسیان در گیلان، تپوران در مازندران، ایلامیان در خوزستان، و آشوریان و بابلیان در غرب و جنوب‌غربی منطقهٔ آنان بودند. بزرگ‌ترین تهدید متوجه مادها از سوی امپراتوری توسعه طلب آشور بود. مادها به پشتوانهٔ اتحاد درونی و پیمان با بابلیان، با آشوریان وارد جنگ شدند و سبب‌ترین قدرت نظامی منطقه را به گونه‌ای باورنکردنی شکست دادند و بر ناحیهٔ وسیعی از ایران، آشور و بین‌النهرین مسلط شدند. آنها برای ادارهٔ امپراتوری به تشکیلات دیوانی نیاز داشتند که به وجود آوردند. از چند و چون آن اطلاع دقیق نداریم، اما احتمال قوی داده می‌شود که هخامنشیان، سلسلهٔ تاریخی پس از مادها، که اطلاعات ما دربارهٔ آنها نسبتاً بسیار است، تشکیلات دیوانی خود را بر پایهٔ سر مشق مادی ایجاد کرده، و عناصری هم که مادها از همسایگان خود اقتباس کرده بودند، به هخامنشیان انتقال یافته باشد. شکست دادن آشور قدرتمند، بدون سپاه مجهز و کارآمد و فرماندهی توانا امکان پذیر نبوده است. بنابراین، احتمال می‌رود هخامنشیان در سازمان‌دهی ارتش خود از تجربه‌ها و درس‌های مادی استفاده کرده باشند.

مادها هنگمتانه (همدان کنونی) را پایتخت خود قرار دادند که آثار بسیار اندکی از آن بر جاست. با اینکه این شهر در جریان حمله، محاصره و ویران شد، اما در دورهٔ هخامنشیان یکی از پایتخت‌های آنان بود و تا عصر ساسانیان از شهرهای مهم سر راه کاروان‌های

بازرگانی بود. از مذهب مادها هم اطلاع دقیقی نداریم و مطمئن نیستیم مادها آئین زرتشتی داشته‌اند یا نه، اما دانسته است که اهورامزدا را ستایش می‌کردند و سهم شناخته شده آن‌ها تاکنون، ایجاد تشکیلات نظامی و دیوانی تا حد مقابله موفق با امپراتوری آشور، بنیاد گذاری حکومت نیرومند، و بیرون آمدن از زندگی طوایفی و فراهم ساختن زمینه برای امپراتوری پس از خود، هخامنشیان، بود.

تغییر داده است.

شاخه‌ای از آریائی‌ان ساکن نظر می‌رسد ایلامیان، که از ناحیه آشور توسعه طلب تهدید می‌شدند، به نیروهای تازه نفسی که با اسب و ارابه آمده بودند، مجال استقرار دادند. از این شاخه، خاندان هخامنش رهبری را به دست گرفت و کورش در ۵۵۰ ق.م. توانست آخرین شاه سلسله ماد را شکست دهد، حکومت را از طوایف ماد به طوایف پارس منتقل کند، و سپس به سوی فتح سرزمین‌های دیگر گام بردارد. کورش هخامنشی (سال‌های حکومت: ۵۵۹ - ۵۳۰ ق.م.) بر سرزمین‌های تابع مادها، سرزمین آشوریان و بابلیان، بر آسیای صغیر و نیز بخش یونانی نشین آن به نام یونیا، مرکز و شرق فلات ایران و بخش‌هایی در شمال ایران مسلط شد و پهناورترین امپراتوری جهان را در روزگار خود ایجاد کرد، و پس از ۲۹ سال حکومت در لشکر کشی‌های شرق کشته شد. شهرت او تنهادر کشور گشایی و بنیاد گذاری امپراتوری نیست، بلکه در رفتار با اقوام تابع و احترام به معتقدات آنهاست. به ویژه در سرزمین‌هایی که مردم ستم و خشونت امپراتوران آشور را به چشم دیده، و طعم زور و جور را چشیده بودند، سلوک کورش تحولی چشمگیر در آداب حکومت غالب بر مغلوب، حرمت به شئون انسانی و ایجاد هنجاری تازه در زندگی تمدنی بود. اگر مردمی کورش را چنان رفعت مقام داده که در شمار اولیای آنان قرار گرفته است، به لحاظ

کورش هخامنشی
پهناورترین امپراتوری
جهان را در روزگار خود
ایجاد کرد. شهرت وی در
کشورگشایی و بنیاد گذاری
امپراتوری نیست، بلکه در
رفتار با اقوام تابع و احترام
به معتقدات آنهاست.

کورش هخامنشی
پهناورترین امپراتوری
جهان را در روزگار خود
ایجاد کرد. شهرت وی در
کشورگشایی و بنیاد گذاری
امپراتوری نیست، بلکه در
رفتار با اقوام تابع و احترام
به معتقدات آنهاست.

فرمان کورش درباره
سلوک با مردم
سرزمین‌های فتح شده،
سرفصل نو در تاریخ
حقوق بشر است.

مقایسهٔ سلوک او با فرمانروایان مسلط دیگر و تفاوت منش و روش
وی با فرمانروایان دیگر بوده است. فرمان کورش دربارهٔ سلوک با
مردم سرزمین‌های فتح شده، سرفصلی نو در تاریخ حقوق بشر است.

پس از او داریوش یکم (سال‌های حکومت: ۵۲۱ - ۴۸۶ ق. م.)
امپراتوری ایرانی را به اوج گستردگی و قدرت خود رسانید و
موجبات برای زندگی تمدنی در ناحیه‌ای گسترده از آسیا و حتی
بخش‌هایی از آفریقا و اروپای کنونی فراهم آمد، اما قدرت گرفتن
یونانیان از یک سو و سپس ظهور اسکندر مقدونی، و مشکلات
درونی امپراتوری، ناشی از ساختارهای اجتماعی، طبقاتی، اشرافیت،
فساد، تبعیض، نابرابری و دیگر عامل‌های درون فرسا، سبب شد
که هخامنشیان سال به سال خود را از دست دادند تا سرانجام
تشکیلات ارتش پهناور ایران در ۳۳۰ ق. م. در رویارویی با ارتش
اسکندر مقدونی در هم شکست، و حکومت هخامنشیان پس از ۲
قرن و خرده‌ای پایان یافت.

امپراتوری هخامنشی در
حملهٔ اسکندر مقدونی
فروپاشید و عمر آن پس از
۲ قرن و نیم پایان یافت.

سرداران یونانی حدود ۷۰ سال بر ایران حکومت کردند، اما شاخهٔ
دیگری از آریائی‌ها کوچنده که در ناحیه‌های شرق و شمال شرقی
ایران ساکن شده بود، قد برافراشتند، به حکومت نظامیان یونانی
پایان دادند و سلسله‌ای به نام اشکانیان/پارتیان برقرار ساختند که حدود
۵ قرن، از ۲۵۰ ق. م. تا ۲۲۶ م. حکومت کردند. دورهٔ این سلسله با
دورهٔ قدرت گرفتن امپراتوری روم هم‌زمان بود و ایرانیان پس از عصر
یونانیان، چند سده با رومیان، که بزرگ‌ترین امپراتوری و قدرت
جهان را در روزگار خود تشکیل دادند، در نبرد بودند و مرزهای
ایران را در برابر هجوم‌های آنان حفظ کردند. مهرداد یکم و دوم
از شاهان این سلسله، توان امپراتوری خود را به اوج رسانیدند. با این
حال، عامل‌های درون فرسا به زوال اشکانیان گرایید و این سلسله
جای خود را به ساسانیان داد، سلسله‌ای که از ۲۲۶ م. تا سدهٔ ۷ م.
به مدت ۵ قرن بر ایران حکومت کرد.

یونانیان ۷۰ سال بر ایران
حکومت کردند تا این که
شاخه دیگری از آریائی‌ها
آن‌ها را شکست دادند و
سلسلهٔ اشکانیان/پارتیان را
تأسیس کردند که پس از
۵ قرن حکومت، جای خود
را به ساسانیان داد که آن‌ها
نیز ۵ قرن بر ایران فرمان
راندند.

امپراتوری ساسانی با روم شرقی در کشاکش قدرت بود و سرانجام به این علت و چندین عامل دیگر، در برابر یورش عرب‌ها از پای درآمد.

آنچه تمدن و فرهنگ صرفاً ایرانی خوانده می‌شود با سقوط ساسانیان پایان یافت و از آن پس این فرهنگ و تمدن به صورت دیگری در تمدن اسلامی احیا شد.

امپراتوری ساسانی با روم شرقی (بیزانس) در کشاکش قدرت بود و سرانجام به این علت و نیز عامل‌های درون فرسای ناشی از ستم، تبعیض، نابرابری، فساد و بیماری‌های اخلاقی حاصل از ثروت و رفاه بی حد و حصر قشر محدودی از اشراف، رو به زوال رفت و در برابر یورش عرب‌ها از پای درآمد. بیزانس هم بخش‌هایی از ولایات شرقی خود را از دست داد و به عرب‌ها وا گذاشت. ساسانیان چند شاه برجسته داشتند و انوشیروان در میان آنها آوازه‌ای بلند دارد. دستاوردهای عصر ساسانیان فراوان است، اما آنچه تمدن و فرهنگ صرفاً ایرانی خوانده می‌شود، با سقوط ساسانیان پایان یافت و از آن پس این تمدن و فرهنگ به صورت دیگری در تمدن اسلامی احیا شد و به حیات خود، اما به گونه‌ای بسیار متفاوت، ادامه داد که به ویژگی‌هایی از آن در تمدن اسلامی اشاره خواهد شد (نک: فصل ۳-۱۱).

تمدن ایرانی و دستاوردهای آن

تمدن ایرانی از زمان قدرت گرفتن مادها تا سقوط ساسانیان ۱۳۳۵ دوام داشت.

از ۷۰۵ ق. م. که مادها به قدرت رسیدند، تا ۶۳۰ م. که ارتش ساسانی در برابر قشون عرب از پا درآمد، ۱۳۳۵ سال گذشت، یک هزاره و بیش از سه سده. جز فترتی حدوداً ۷۰ ساله که حاکمیتی یونانی برقرار بود، ۴ سلسله ایرانی از شاخه‌های متفاوت آریائی‌ان کوچیده به فلات ایران، که پیوندهای زبانی، فرهنگی، عقیدتی و قومی آنان بسیار نزدیک بود، تمدنی خاص با ویژگی‌هایی از آن خود آفریدند. آریائی‌ان، زمانی که به فلات ایران وارد شدند، تمدن‌های بین النهرینی در غرب، تمدن ایلامی در جنوب غربی، تمدن جیرفت و شهر سوخته در جنوب شرقی، تمدن هندی در شرق، آن سوتر تمدن چینی، به دوره‌های شکوفای خود دست یافته بودند و نیز شاخه‌هایی از خود آریائی‌ان که پیش‌تر به اطراف این فلات یا به درون این فلات

عمل هوش مندانه در تمدن‌های ایرانی این بود که پس از استقرار، وحدت و کسب قدرت، ایرانیان آنچه در تمدن‌های اطراف خود سودمند و مناسب می‌دیدند، اخذ و جذب کردند و تمدنی تلفیقی، با روح و ویژگی‌های تلفیق‌گر پدید آوردند.

تمدن ایرانی از بنیادهای اصلی ایجاد و تکوین تمدن اسلامی بود.

تمدن ایرانی پس از یورش طوایف مغول و افول تمدن اسلامی، بار دیگر احیا شد و تاکنون به رغم تسلط تمدن غربی و نفوذ و حمله و سلطه‌استعماری آن و چندین تقابل، به تداوم خود ادامه داده است.

آمده بودند، مانند اقوام آراتو، هیتیان، کاسیان، کاسپیان، گوتیان، لولویان، ماناییان و دیگران، خرده تمدن‌های خود را ایجاد کرده بودند. بنابراین آریائیان کوچنده از همه سو با قدرت‌های متشکل و حکومت و با گونه‌هایی از زندگی تمدنی رو به رو بودند. آنها پس از استقرار، وحدت و کسب قدرت، دست به عمل هوش مندانه‌ای زدند، و آنچه در تمدن‌های اطراف خود سودمند و مناسب می‌دیدند، اخذ و جذب کردند و تمدنی تلفیقی، اما تمدنی که روح و ویژگی‌های خاص تلفیق‌گر در آن دمیده شده و بدان راه یافته بود، پدید آمد. این تمدن در مقیاسی کلان تأثیر گذاشت، با انواع تمدن‌های دیگر داد و ستد کرد و میراث غنی شده‌ای را بعدها به عالم اسلام انتقال داد. تمدن ایرانی در ایجاد و تکوین تمدن اسلامی از بنیادهای اصلی بود و دست کم بخشی از این تمدن را با ویژگی‌های تمدنی کهن خود به شرق جهان اسلام انتقال داد. پس از یورش ویران‌گر طوایف مغول و افول تمدن اسلامی، بار دیگر احیا شد و به حیات خود ادامه داد. تمدن ایرانی پس از چند تقابل، و تحمل تهدیدها از سوی قدرتی که بر جهان غرب مسلط شد و سپس به سراسر جهان نفوذ کرد، و آثار آن را در حمله‌ها، نفوذها، سلطه‌های استعماری، نیمه‌استعماری، شبه‌استعماری باید شناخت، به تداوم خود ادامه داده است. احیای گسترده این تمدن، یا ظهور دگرسان آن در عصر تمدن جهان گیر، موضوع بحث‌هایی است که هم از دیدگاه ایرانیان علاقه‌مند به فرهنگ و تمدن خود جالب توجه است، و هم از نظرگاه نظریه پردازان تداوم و احیای تمدن‌های کهن. در هر حال، دستاوردهای تمدن ایرانی بسیار است و اگر بخواهیم خلاصه‌ای از آنها را بر شماریم، خوب است به این جنبه‌ها توجه کنیم:

اداره امپراتوری گسترده‌ای که از مرزهای غربی هند تا مرزهای شرقی یونان گسترش داشت، به سازمان دهی و تشکیلات کارآمدی نیازمند بود که ایجاد شد. در عصر هخامنشیان نظم و امنیت برقرار گردید، و راه‌های بسیاری ساخته شد که شرق و غرب جهان آن

دولت هخامنشی برای
استقرار حاکمیت در
بزرگ‌ترین امپراتوری
جهان، از همه امکانات
ارتباطی آن عصر استفاده
کرد.

روز را به هم متصل می‌ساخت. در شبکه راه‌ها گشت‌های بازرسی،
چاپارخانه‌های بسیار و منظم، و همراه با اسب‌های تندرو و آماده
استقرار یافت. شبکه پستی سریع و سامانه خبر رسانی حکومتی از
دستاوردهای بی‌سابقه آن روزگار بود. دولت هخامنشی برای استقرار
حاکمیت در بزرگ‌ترین امپراتوری جهان، از همه امکانات ارتباطی
آن عصر استفاده می‌کرد. دولت برای ایجاد سهولت در داد و ستد،
سکه‌های طلا و نقره ضرب کرد. راه‌های آبی حفر شد، رود نیل به
دریای سرخ متصل گردید و کشتی‌های بازرگانی و جنگی توانستند
از اقیانوس هند و از راه دریای سرخ به مدیترانه بروند. سامانه مالیاتی
دقیقی برقرار گردید، و درآمد دولت برای اجرای طرح‌های عمرانی
گسترده افزایش یافت.

زبان عصر هخامنشی،
پارسی باستان بود که با
خط میخی ساده شده‌ای به
کتابت درآمد.

زبان عصر هخامنشی که به آن پارسی باستان می‌گویند، با خط
میخی ساده شده‌ای به کتابت درآمد. کتیبه‌های بسیاری به این زبان
و به این خط بر جاست که مهم‌ترین آنها کتیبه بیستون بر دیواره کوه
بیستون، نزدیک شهر کرمانشاه، از دوره داریوش شاه است. این کتیبه
که طولانی‌ترین کتیبه جهان و از با اهمیت‌ترین اسناد تاریخی است،
رمز گشایی خط آن، رویداد مهمی در تکوین علم باستان‌شناسی و
مطالعات خاورشناسی به شمار می‌آید. این کتیبه در عین حال حاوی
اطلاعات بسیاری درباره عصر داریوش است. کتیبه بیستون به سه زبان
و به خط میخی است که یکی از آن سه، زبان پارسی عصر هخامنشی
و از نیا‌های زبان فارسی امروز است.

کتیبه بیستون، طولانی‌ترین
کتیبه جهان به سه زبان و به
خط میخی است که یکی
از آن سه، زبان پارسی
عصر هخامنشی و از زبان
فارسی امروز است.

در عصر هخامنشی، چه در پایتخت و چه در همه مراکز دولتی
در ساتراپ (ولایت)‌ها، بایگانی‌های منظم، و برای هر فعالیت خود
سند کتبی داشتند. سندها لوح‌های گلین بود که با سامانه خاصی طبقه
بندی و نگاه‌داری می‌شد. ظاهراً سند‌های گلین را در سبد و سبدها را
در قفسه‌ها جای می‌دادند و به آنها برچسب‌های گلین می‌آویختند و
به این ترتیب بازایی می‌کردند. دستاورد نسبی بزرگ‌تر که از آن باید
یاد کرد، تأمین آب کشتزارها، روستاها، و شهرها در نواحی خشک

در عصر هخامنشی بایگانی
منظم و برای هر فعالیت
خود سند کتبی داشتند.
سندها لوح‌های گلین
بود که با سامانه خاصی
طبقه‌بندی و نگاه‌داری
می‌شد.